

## خلاصه درس ۱۲ تاریخ (۱) «جامعه و خانواده»

با این خلاصه، نکات درس ۱۲ تاریخ (۱) را مرور نمایید.

مردم و جامعه ← از ارکان اساسی هر تمدن یا کشوری

قشرها و طبقات اجتماعی

اقوام آریایی با وجود استقرار در مناطق مختلف پیوندهای قبیله‌ای خود را حفظ کردند.

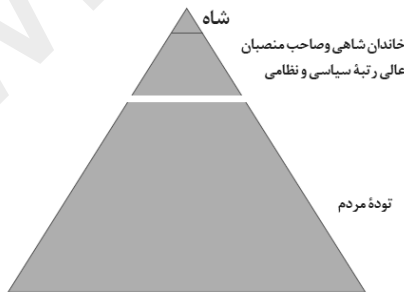
هر قبیله شامل تعدادی طایفه بود و هر طایفه به چند خانواده‌ی بزرگ تقسیم می‌شد.

اقشار جامعه‌ی آریایی

۱- روحانیون

۲- جنگجویان

۳- کشاورزان و شبانان



هرم اجتماعی دوران هخامنشی

دوره‌ی ماد و هخامنشی

با فتح سرزمین‌های مختلف و در دست گرفتن حکومت، افراد و خاندان‌های عهده‌دار حکومت ثروت بیشتر و برخی منزلت بالاتری پیدا کردند؛ نتیجه‌ی آن ایجاد نابرابری اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی بود.

دوره‌ی فرمانروایی مادها سرآغاز ایجاد نابرابری و شکل‌گیری طبقات اجتماعی بود.

دوره‌ی فرمانروایی هخامنشیان دوره‌ی افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی میان گروه حاکم و مردم عادی بود و اعضای خاندان‌های بزرگ (رأس آنها: خاندان شاهی) از طرف پادشاه به سمت حکومت شهربی‌ها، فرماندهی ارتش و سایر مناصب حکومتی منصوب گردیدند.

به دلیل اهمیت فتوحات نظامی قشر جنگجویان نسبت به دو قشر دیگر، دیگر در جایگاه بالاتری قرار داشتند.

### دوره‌ی اشکانیان

در این دوره طبقات اجتماعی شامل دو گروه می‌شوند:

۱- حاکم: اعضای خاندان‌های شاهی / دیگر خاندان‌های قدرتمند قدیمی که مهم‌ترین منصب‌های سیاسی و نظامی را در اختیار داشتند.

۲- توده‌ی مردم عادی

شامل کشاورزان، شبانان، صاحبان حرف و صنایع و بازرگانان بودند.

جنگ‌های پیاپی اشکانیان با دشمنان خارجی موجب به‌وجود آمدن بسیاری از اسیران جنگی شده بود، این اسیران در فعالیت‌های کشاورزی، ساختمان‌سازی، معادن شاهی و خدمات خانگی کار می‌کردند.



هرم اجتماعی ایران در زمان اشکانیان

### دوره‌ی ساسانیان

دو عامل اساسی در نظام طبقاتی عصر ساسانی:

۱- تأسیس حکومت مرکزی قدرتمند

۲- رسمیت یافتن دین زرتشتی و افزایش نفوذ موبدان

تأسیس حکومت مرکزی قدرتمند باعث توسعه‌ی تشکیلات اداری و دیوانی شد و در نتیجه قشر جدیدی به نام دبیران به وجود آمد.

نظام طبقاتی عصر ساسانی بر اصالت نسب و خون استوار بود، اشراف و بزرگان نسب و خون خود را برتر از نسب و خون مردم عادی می‌دانستند و در نتیجه برخورداری از امتیازات ویژه را حق خود می‌شمردند.

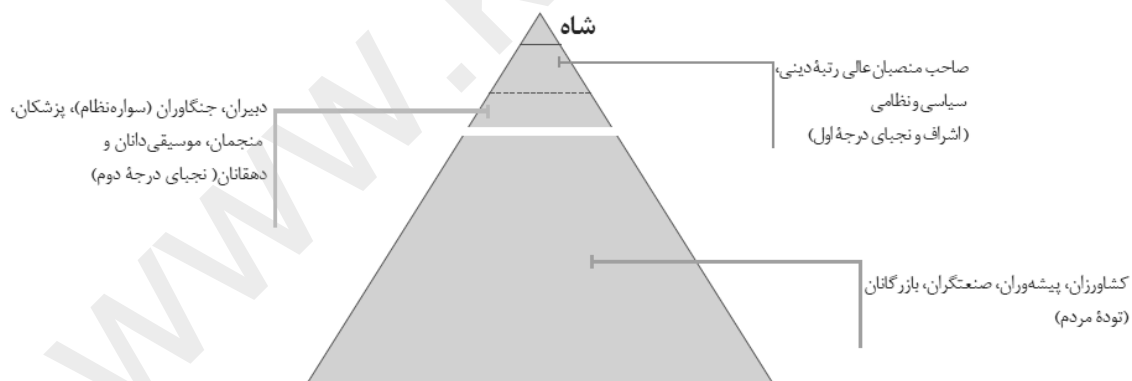
در نظام طبقاتی ساسانی رفتن از طبقه‌ای به طبقه‌ی دیگر، ممنوع یا بسیار دشوار بود و طبقه‌ی حاکم صاحب مشاغل و مناصب عالی رتبه بود و اشراف زادگان به امور جنگی، دیوانی، ورزش‌های رزمی، شکار و بزم می‌پرداختند.

در این حکومت عامه‌ی مردم در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی مشغول به کار بودند و بار سنگین مالیات‌ها را بر دوش می‌کشیدند.

موبدان زرتشتی، مدافع نابرابری و امتیازات طبقات حاکم بودند و رفتن از طبقه‌ای به طبقه‌ی دیگر را باعث فاسدشدن جامعه می‌دانستند.

در زمان پادشاهی قباد جنبشی به رهبری مزدک، علیه این نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی پدید آمد.

در زمان خسرو انوشیروان، پسر و جانشین قباد، طی اقداماتی از قدرت اشراف و نجبای درجه اول کاسته شد و بر نفوذ اشراف و نجبای درجه دوم افزوده شد.



هرم اجتماعی ایران در عصر ساسانی

## خانواده

خانواده، هسته اصلی جامعه آریایی نخستین به شمار می رفت و در آغاز، بسیار گسترده بود.

در خانواده کهن ایرانی، اعضای خانواده تحت نظارت پدر پیمان ازدواج می بستند.

اقتصاد خانواده معیشتی بود و دسترنج تمام افراد برای رفع نیازمندی های مشترک مصرف می شد.

دارایی های خانواده در اختیار پدر بود و قابل تقسیم یا انتقال نبود و پس از مرگ او، در اختیار پسر ارشد قرار می گرفت.

از زمان هخامنشی تحت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی، کوچک تر و محدودتر شد.

نتیجه ی توسعه ی تشکیلات حکومتی و گسترش قشرهای اجتماعی، کاهش قدرت پدر در خانواده و بر عهده گرفتن بخشی از اختیارات پدر مانند قضاوت و اجرای مراسم و تشریفات دینی توسط روحانیون و تشکیلات قضایی بود.

## زنان

در دوران باستان جایگاه زنان باستان تحت تأثیر آموزه های دین زرتشتی و فرهنگ عمومی بود و زنان به عنوان مادر و کدبانوی خانه عزت و احترام والایی داشتند.

در قسمت هایی از کتاب اوستا، تفاوت چندانی میان مرد و زن وجود ندارد و شعار اصلی زرتشت یعنی گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک به یکسان برای زنان و مردان توصیه شده است.

لوح های گلی کشف شده از تخت جمشید بیانگر آن است که در زمان هخامنشیان، زن و مرد در کنار هم و با حقوقی برابر کار می کردند.

در عصر ساسانی و همچنین قرون نخستین اسلامی مطالب و گزارش های موجود دلالت بر حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان در آن دوران می نماید، از جمله :

۱ زن حق مالکیت و فعالیت اقتصادی داشت و می توانست کسب درآمد کرده و در اموال همسر خود باشد.

۲ - می توانست در دادگاه به سود خود اقامه ی دعوا کند.

نکته: شواهد موجود نشان می‌دهد دو تن از زنان خاندان شاهی (همسر یزدگرد دوم و دو دختر خسرو پرویز به نام-

های پوران و آزرمی دخت) بر تخت سلطنت نشستند.

جشن و سوگواری

در ایران باستان جشن‌ها پیوند تنگاتنگی با باورهای دینی و زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مردم به ویژه فعالیت های کشاورزی داشت.

ویژگی برجسته‌ی جشن‌های باستانی، عبادت و شکرگزاری به درگاه خداوند بزرگ بود.

گاهنبارها، نوروز، مهرگان و سده از مشهورترین جشن‌های ایران باستان بود.

گاهنبارها: شش جشن بود که به شکرانه‌ی آفریده‌شدن عناصر اصلی خلقت در شش وقت معین از ماه‌های سال برگزار می‌شد.

نوروز: از کهن‌ترین جشن‌های ایرانی که به جمشید، نخستین پادشاه افسانه‌ای ایران منسوب است.

ایرانیان باستان، علاوه بر گرامیداشت جشن‌ها، مراسم سوگواری برای مردگان را نیز با آداب و تشریفات ویژه‌ای

برگزار می‌کردند.

